

The role of perceived parenting styles and borderline personality disorder in cyberbullying: role mediator of empathy

Touraj Hashemi¹, Rahim Badri², Faroogh Esmaeilpour³

1. Professor of Psychology, Educational psycholog, University of Tabriz, Tabriz, Iran

2. Associate Professor of Psychology, Educational psycholog, University of Tabriz, Tabriz, Iran

3. Master Student of Educational Psychology, Psychology Department, University of Tabriz, Tabriz, Iran

Abstract

Introduction: cyberbullying is a kind of aggression, deliberate action by a group or individual using electronic communication methods, is defined repeatedly and over time against a victim who can not easily defend himself.

Aim: The purpose of this study was to determine the role of perceived parenting styles (authoritarian, authoritative, disregarded, and easy) and borderline personality disorder in cyberbullying through mediating role of empathy.

Method: The tools used in this study included: Lopez's cyberbullying questionnaire, Naghashan's parenting style questionnaire, questionnaire of borderline personality disorder, the empathy questionnaire of Baron-Cohen and Will Wright. The sample consisted of 305 high school male students of Tabriz, who were chosen according to multi-stage cluster sampling method.

Results: Path analysis results showed that perceived parenting (Authoritarian, authoritative, indifferent) and borderline personality disorder mediated by empathy can explain the cyberbullying changes.

Conclusion: Based on these findings, it can be concluded that cyberbullying can be a reflection of perceived personality disorder and perceived child abusive, dispassionate, and also low level of empathy.

KeyWords: Parenting, borderline personality, Cyberbullying, empathy

نقش سبک‌های فرزند پروری ادراک شده و اختلال شخصیت مرزی در قلدری سایبری: نقش

میانجی همدلی

تورج هاشمی^۱، رحیم بدیری گرگوی^۲، فاروق اسماعیل پور^۳

۱. استاد گروه روانشناسی، روانشناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

۲. دانشیار گروه علوم تربیتی، روانشناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

۳. کارشناس ارشد، روانشناسی تربیتی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول)

چکیده

مقدمه: قلدری سایبری نوعی پرخاشگری، عمل عمدی توسط یک گروه و یا فردی با استفاده از روش‌های ارتباطی الکترونیکی، به صورت مکرر و در طول زمان در برابر یک قربانی که به راحتی نمی‌تواند از خود دفاع کند تعریف شده است.

هدف: لذا پژوهش حاضر باهدف تعیین نقش سبک‌های فرزند پروری ادراک شده (مستبدانه، مقتدرانه، بی‌اعتنای و سهل‌گیرانه) و اختلال شخصیت مرزی در قلدری سایبری با میانجی گری نقش همدلی انجام شد.

روش: مطالعه حاضر با توجه به اهداف تحقیق، از نوع همبستگی و با توجه به روش جمع‌آوری داده‌ها از نوع تحقیقات توصیفی هست. ابزارهای مورداستفاده در این پژوهش عبارت بودند: پرسشنامه قلدری سایبری لوپز، پرسشنامه سبک‌های فرزند پروری نقاشان، پرسشنامه نشانه‌های اختلال شخصیت مرزی، پرسشنامه همدلی بهر بارون-کوهن و ویل رایت. نمونه پژوهش ۳۰۵ نفر از دانش آموزان پسر پایه سوم دبیرستان شهر تبریز بودند که به روش نمونه‌گیری تصادفی خوش‌های چندمرحله‌ای انتخاب گردیدند. برای تحلیل نتایج از آمار توصیفی، مدل یابی معادلات ساختاری (SEM) و تحلیل مسیر استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج تحلیل مسیر نشان داد که فرزند پروری ادراک شده (مستبدانه، مقتدرانه و بی‌اعتنای) و اختلال شخصیت مرزی با میانجی گری همدلی قادرند در قالب روابط ساختاری تغییرات قلدری سایبری را به‌طور معنی‌داری تبیین کنند.

نتیجه‌گیری: بر اساس این یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که قلدری سایبری می‌تواند بازتابی از اختلال شخصیت مرزی و فرزند پروری ادراک شده مستبدانه، بی‌اعتنای و همچنین پایین بود سطح همدلی باشد.

کلید واژه‌ها: فرزند پروری، شخصیت مرزی، قلدری سایبری، همدلی

مقدمه

یک نوع قلدري است که به وسیله اعمال تهاجمی با استفاده از فناوری‌های الکترونیکی به مرحله ظهور می‌رسد (استاکدیل، کوین، نلسون و اریکسون،^۸ ۲۰۱۵). نمونه‌هایی از قلدري سایبری شامل پیام‌های آزاردهنده، پخش شایعات اینترنتی و یا از طریق وبسایت رسانه‌های اجتماعی، ارسال و ویرایش عکس‌های فردی برای شرم‌ساز کردن وی و اظهارنظرهای تحریرآمیز در مورد افراد در سایت‌های اجتماعی می‌شود (استاکدیل و همکاران، ۲۰۱۵). سوال مهمی که در این خصوص مطرح است این است که چرا نوجوانان مرتکب قلدري سایبری می‌شود؟ بر اساس الگوی تعاملی شخص، فرایند، بافت و زمان در نظریه سیستمی زیستی – بوم‌شناسی^۹، رشد کودکان و ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها علاوه بر الگوهای زیستی از تعاملات روزمره نیز، تأثیر می‌پذیرد (برون فنبرنر و موریس، ۱۹۹۸؛ به نقل از رودادیل، گالاگر و وايت^{۱۰}، ۲۰۱۰). برخی از مطالعات نشانگر آن است که ادراک کودک از سبک فرزند پروری والدین با نگرش‌های خود والدین در مورد سبک‌هایشان متفاوت است. بر این اساس، گروینگ، دسی، ریان^{۱۱} (۱۹۷۷) فرزند پروری ادراک‌شده را بر سه بعد دانسته‌اند: بعد «مشارکت» که به معنای توجه مثبت والدین به کودک و میزان وقتی است که برای او می‌گذارند و به طور فعال در فعالیت‌های روزانه با او مشارکت می‌کنند و از آن‌ها آگاهاند؛ بعد «حمایت از خود پیروی» که به معنای ارزش قائل شدن والدین به دیدگاه فرزند و استفاده آنان از فنونی است که انتخاب، خود آغازگری، تصمیم‌گیری و حل مسئله را در کودک تقویت می‌کند؛ و در نهایت بعد «مهرورزی» که به معنای

دوره نوجوانی به دلیل تغییرات سریع رشدی و عاطفی، تأثیر مهمی در کیفیت زندگی فرد در دوره‌های بعدی رشد دارد. این تغییرات در بسیاری از موارد موجب بروز مشکلات ناسازگاری، رفتاری و هیجانی می‌شود (موروی وزو واک^۱، ۲۰۱۱). یکی از مشکلات سازگاری دوره نوجوانی قلدري^۲ است. توجه به پدیده قلدري در سطح جهانی، اولین بار با پژوهش الیوس (الیوس^۳، ۱۹۹۳)، در سال ۱۹۸۰ شروع شد. قلدري به عنوان رفتارهای پرخاشگرانه و مکرر که توسط فرد قلدر در برابر همسالان ضعیفتر انجام می‌شود، تعریف شده است. (الیوس، ۱۹۹۳). در سالهای اخیر با تغییر سبک زندگی افراد و ورود تکنولوژی به زندگی‌ها، شیوه بروز قلدري نیز تغییر یافته است. در قرن ۲۱، افراد قلدر برای آزار رساندن و زورگویی نسبت به همسالانشان از شیوه‌های جدیدتری چون مزاحمت‌های تلفنی یا انتشار پیام‌ها و تصاویر اینترنتی استفاده می‌کنند. این نوع اخیر قلدري، تحت عنوان قلدري غیر سنتی^۴ یا سایبری^۵ مصطلح است و برخلاف قلدري سنتی بر ارتباط چهره به چهره بین قلدر و قربانی وابسته نیست (پاچین و هیندوجا، ۲۰۱۱؛ لاو، شاپاکا، هیمل، اولسون، واترهوز، ۲۰۱۲؛ کوالسکی، مورگان و لیمبر^۶، ۲۰۱۲). قلدري سایبری و یا قلدري از طریق ابزارهای الکترونیکی که در آن، فرد قربانی امکان دفاع از خود را ندارد، به طور فرایندهای در جامعه امروزی رایج شده است. این نوع قلدري گاهی اوقات به عنوان پرخاشگری سایبری و یا پرخاشگری الکترونیکی اطلاق شده (دراکر و مارستولف، ۲۰۱۰؛ پوماری، وود^۷، ۲۰۱۰) و

¹.Murray & zvoch

². Bullying

³. Olweus

⁴. Nontraditional bullying

⁵. Cyberbullying

⁶. Patchin, Hinduja; Haw, Shapka, Hymel, Olszn, Waterhouse; Kowalski, Morgan & Limber

⁷. Draucker & Martsolf; Pomari, Wood

⁸.Stockdale, Coyne,Nelson & Erickson

⁹. bioecological systems theory

¹⁰. Bronfenbrenner & Morris; Rudasill, Gallagher & White

¹¹. Grolnick, Deci, & Ryan

در حسادت در روابط نزدیک آشکار می‌شود (داتون، ۱۹۹۴؛ ملوی و بوید، ۲۰۰۳). در رابطه بین قلدری سایبری با فرزند پروری ادراک‌شده و ویژگی‌های شخصیت مرزی یک متغیر میانجی به نام همدلی وجود دارد. به طور کلی می‌توان نشان داد که پاسخ همدلانه با رفتارهای جامعه پسند رابطه مثبت دارد و با قلدری رابطه منفی دارد (میلر، ایسنبرگ، ۱۹۸۸؛ ایسنبرگ و فابز، ۱۹۹۸). در واقع، همدلی، مفهومی بنیادین در علوم روان‌شناسی است که روانشناسان شناختی و روان‌پویایی بر فرآیندهای روان‌شناسی آن متمرکز بوده و امروزه نیز به گونه‌ای فعال در علوم اعصاب تحت بررسی است (شامای تسویری، ۲۰۰۹).

نتایج پژوهش ربکا و دیون^{۲۰} (۲۰۱۰) باهدف تعیین رابطه بین همدلی شناختی/ عاطفی و جنسیت با قلدری سایبری در نوجوانان ۱۲-۱۸ ساله سنگاپوری نشان دادند که همدلی عاطفی/ شناختی پایین در هر دو جنسیت باعث می‌شود که افراد در قلدری سایبری نمره بالاتری نسبت به کسانی که همدلی بالاتری از خود نشان می‌دهند، کسب کنند. مبنی بر یافته‌ها، چنین به نظر می‌رسد که عواملی از قبیل شیوه‌های فرزند پروری، اختلال شخصیت مرزی و همدلی هر یک به شیوه‌های مختلف در بروز و ظهور قلدری سایبری نقش دارند و با توجه به وجود ابهامات زیاد در زمینه قلدری سایبری و نیز پژوهش‌های اندکی در این زمینه صورت گرفته است، درنتیجه ارائه مدلی برای تعیین قلدری سایبری و عوامل تأثیرگذار در آن می‌تواند در بسیاری از زمینه‌ها راهگشا باشد. به همین علت پژوهش حاضر با موضوع نقش سبک‌های فرزند پروری و اختلال شخصیت مرزی در قلدری سایبری با میانجی گری نقش همدلی انتخاب شده است.

^{۲۰}. Miller & Eisenberg; Fabes

^{۲۱}. shatmay-Tsoory

^{۲۲}. Rebecca & Dion

پاسخگو، حساس، توجه کننده، مشوق، استوار و صمیمی بودن والدین نسبت به فرزندانشان است (گروینک، ۱۹۷۷). تحقیقات نشان داده است که شیوه‌های فرزندپروری مستبدانه^{۱۲}، سلطه گرانه^{۱۳} و متناقض^{۱۴} به رفتارهای قلدری منجر می‌شود (شیلدز و سیسچتی، ۲۰۱۱ به نقل از احمد و بربس ویت، ۲۰۰۴). از طرفی سابقه‌ی تجربه سوءاستفاده و خشونت فیزیکی کودک در محیط خانه با رفتارهای قلدری (ستی و سایبری) مرتبط است (داسیچ^{۱۵} و میکویا، ۲۰۰۷). مبنی بر شواهد تحقیقی، نگرش مثبت والدین به پرخاشگری، سبک فرزند پروری مستبدانه، تأکید صرف بر آموزش و عملکرد تحصیلی با رفتارهای قلدری همبستگی مثبت دارد (لی، ۲۰۱۰). درمجموع، مطالعات دلالت بر شکل‌گیری قلدری در محیط‌های خانوادگی‌ای دارد که روابط مبهم و ناهماهنگ، مشخصه آن است (احمد و بربس ویت، ۲۰۰۴). قلدری سایبری ممکن است بخشی از بازتاب شخصیتی باشد. اختلال شخصیت خودشیفته و اختلال شخصیت ضداجتماعی هر دو با قلدری سایبری در دوران نوجوانی ارتباط دارند (آنگ، تان و منصور، ۲۰۱۱؛ لاست، کروس و شاو، ۲۰۱۲). از طرفی طبق مطالعات انجام شده، اختلال شخصیت مرزی با پرخاشگری فیزیکی، پرخاشگری در روابط عاشقانه همراه هست (دالکلاس و داتون، ۲۰۰۱؛ داتون، ۱۹۹۴؛ ملوی و بوید، ۲۰۰۳). مطالعات بیشتر نشان داده اند که اختلال شخصیت مرزی با پرخاشگری رابطه دارد (نلسون، کوین، سوانسون، هارت و اولسن، ۲۰۱۴). خشم و پرخاشگری ویژگی‌های شخصیت مرزی اغلب

^{۱۲}. authoritarian

^{۱۳}. dominant

^{۱۴}. inconsistent

^{۱۵}. Shields & Cicchetti; Ahmed & Braithwaite

^{۱۶}. Dussich & Maekoya

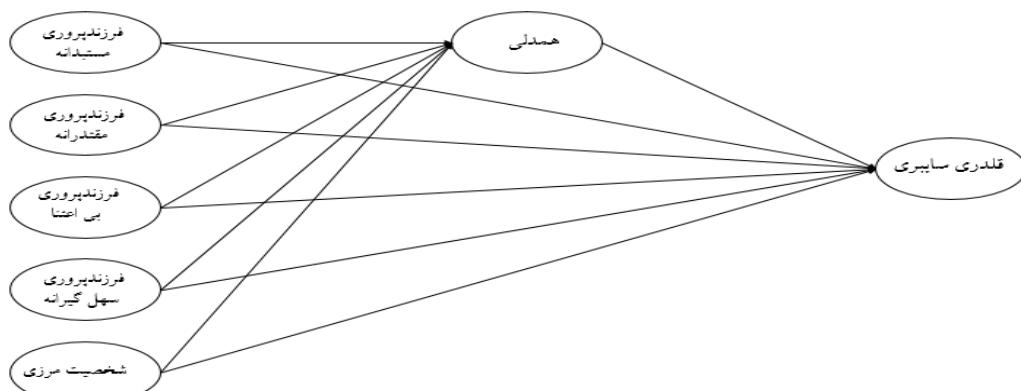
^{۱۷}. Ang, Tan & Mansor; Lester, Croos & Shaw

^{۱۸}. Douglas & Dutton; Meloy & Boyd

^{۱۹}. Nelson, Coyne, Swanson, Hart & Olsen

مدل پژوهشی به قرار زیر است:

شکل ۱- مدل فرضی پژوهش



مقیاس سبک‌های فرزند پروری ادراک شده^{۲۳} (FSQ):

این مقیاس توسط نقاشان (۱۳۵۸) بر مبنای کارهای شفر (۱۹۶۵؛ به نقل از حسین چاری، ۱۳۸۶) تهیه شده و دارای ۷۷ ماده است. ضریب پایایی پرسشنامه توسط سازنده آن ۰/۸۷ گزارش شده است. الگوی پاسخ دهی به این مقیاس، ۵ گزینه‌ای و به صورت مقیاس درجه‌بندی لیکرت و دارای دو بعد محبت و کنترل هست (حسین چاری، آقادلاورپور و دهقانی، ۱۳۸۶). در بعد محبت - طرد نمرات افرادی که برابر یا بالاتر از میانگین است افرادی‌اند که محبت زیادی دریافت می‌کرده‌اند و در بعد کنترل - آزادی افرادی که برابر یا بالاتر از میانگین نمره آورده باشند افرادی‌اند که بر آن‌ها کنترل بالایی اعمال شده است؛ بنابراین برای تعیین چهار سبک فرزند پروری ابتداء میانگین هر یک از ابعاد، جدا محاسبه می‌شود و بر اساس نمرات به دست آمده، چهار سبک با مشخصات، مقتدرانه (کنترل بالا - محبت بالا)، سهل گیرانه (کنترل پایین - محبت بالا) و مسامحه کار (کنترل پایین - محبت پایین) به دست می‌آید. حیدری (۱۳۸۸) در نمونه‌ای متشكل از دانشجویان، همسانی درونی این پرسشنامه را برای کنترل - آزادی ۰/۸۴ و برای بعد محبت - طرد ۰/۹۶ به دست آورده است.

روش

مطالعه حاضر با توجه به اهداف تحقیق، از نوع همبستگی و با توجه به روش جمع‌آوری داده‌ها از نوع تحقیقات توصیفی هست. جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه‌ی دانش آموزان پسر پایه سوم متوسطه مدارس دولتی ناحیه ۴ آموزش و پرورش شهرستان تبریز تشکیل می‌داد که در سال ۹۴-۹۵ ۹۵ مشغول تحصیل بودند که بنابر آمار موجود تعداد کل آن‌ها برابر با ۱۵۴۳ بود. معیارهای ورود به مطالعه عبارت بودند از: دانش آموز پایه سوم راهنمایی بودن، پسر بودن و تحصیل در مدرسه دولتی. از جامعه مورد مطالعه مطابق با جدول برآورد حجم نمونه مورگان، تعداد ۳۰۵ انتخاب شد. جهت انتخاب آزمودنی‌ها از روش نمونه‌گیری خوش‌های چند مرحله‌ای استفاده خواهد شد. بدین نحو که ابتداء از بین مدارس متوسطه ناحیه ۴ آموزش پرورش شهرستان تبریز تعداد ۴ دبیرستان پسرانه به تصادف انتخاب خواهد شد. سپس از هر مدرسه تعداد ۳ کلاس انتخاب خواهد شد و کلیه دانش آموزان موجود در این کلاسها به عنوان نمونه نهایی در نظر گرفته شد. بعد از کسب رضایت، شرکت کنندگان به پرسشنامه‌های زیر پاسخ دادند.

ابزار

²³ Parenting style questioner

نهایی تنظیم گردید. این پرسشنامه از سری پرسشنامه‌های خود گزارش دهی است که به منظور سنجش قلدری / قربانی سایبری و قلدر / قربانی سنتی توسط لوپز (۱۹۹۷) ساخته شده است. ضریب پایایی برای نمره کل مقیاس برابر با ۰/۹۰. گزارش شده است این ضریب با اجرای رو نمونه ۲۳۸/۶ نفری از دانش آموزان پای هشتم به دست آمده است، این ضریب برای خرده مقیاس قلدری سایبری برابر با ۰/۹۰. گزارش شده است. این پرسشنامه شامل ۵۴ سؤال هست (۱۳ سؤال قلدری سنتی، ۱۳ سؤال قربانی شدن سنتی، ۱۴ سؤال قلدری سایبری و ۱۴ سؤال در مورد قربانی سایبری) که پاسخ دهی سؤالات در طیف لیکرت ۶ درجه دای از (هر گز = ۱، یک یا دوبار = ۲، یک یا دو بار در هفته = ۳، یک یا دو بار در ماه = ۴، تقریباً هر روز = ۵، هر روز = ۶) تنظیم شده است. ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۳ می‌گزارش شده است (لوپز، ۱۹۹۷، به نقل از کمپفیلد، ۲۰۰۸).

مقیاس همدلی بھر (EQ): این آزمون که برای ارزیابی همدلی مورداستفاده قرار گرفت، توسط بارون کوهن و ویل رایت (۲۰۰۰) با ۴۰ سؤال ابداع شده است. پاسخ دهی به سؤال‌ها در قالب طیف ۲ درجه‌ای از کاملاً موافق (۲) کمی موافق (۱) و برخی سؤال‌ها به صورت معکوس یعنی کاملاً مخالفم (۲) و کمی مخالفم (۱) است. نمره بالا در این آزمون، نشان‌دهنده توانایی خوب همدلی است. ضریب پایایی برای نمره کل مقیاس همدلی بھر ۰/۷۸ است. این ضریب برای خرده مقیاس همدلی شناختی ۰/۷۸ و برای خرده مقیاس همدلی هیجانی (گرم) ۰/۸۰ و برای خرده مقیاس مهارت‌های اجتماعی ۰/۵۶ بود. همچنین، پایایی مقیاس همدلی بھر با استفاده از روش همسانی درونی (آلفای کرونباخ) را نیز محاسبه کرده است. ضریب آلفای کرونباخ برای این مقیاس معادل با ۰/۷۷۹ بود.

مقیاس شخصیت مرزی (STB): این مقیاس به منظور سنجش الگوهای شخصیت مرزی در تحقیقات غیر بالینی ساخته شده است و شامل ۲۴ ماده می‌باشد که به صورت بلی/خیر جواب داده می‌شود، جواب بلی نمره یک و جواب خیر نمره صفر می‌گیرد. این مقیاس سه عامل دارد: عامل نامیدی، عامل تکانش گری و عامل علائم تجزیه‌ای و پارانوییدی وابسته به تئیدگی. جکسون و کلاریچ (۱۹۹۱) ضریب پایایی و باز آزمایی را برای STB ۰/۶۱، گزارش کرده‌اند. همچنین، راولینگ (۲۰۰۱) ضریب آلفای ۰/۸۰ را برای STB ۱۹۹۸ گزارش کرده‌اند. تحقیقی که هم توسط شانکار ۱۹۹۸ به نقل از راولینگ و همکاران، ۲۰۰۱ روی بیماران بالینی که تشخیص اختلال شخصیت مرزی داشتند انجام گرفته، روائی افتراقی و روائی سازه STB را تأیید کرده است. در ایران، محمد زاده، گودرزی، تقvoi و ملازاده (۱۳۸۴) ضریب پایایی باز آزمایی در فاصله ۴ هفته را برای کل مقیاس STB ۰/۸۴ و برای خرده مقیاس‌های نامیدی، تکانش گری و علائم تجزیه‌ای و پارانوییدی وابسته به تئیدگی را به ترتیب ۰/۵۳، ۰/۷۲ و ۰/۵۰ گزارش کرده‌اند. ضریب آلفا برای کل مقیاس ۰/۷۷ برای خرده مقیاس‌های نامیدی ۰/۶۴، تکانش گری ۰/۵۸ و علائم تجزیه‌ای و پارانوییدی وابسته به تئیدگی ۰/۵۷۰ هست. همچنین، STB از روایی (عاملی و افتراقی) مطلوبی در ایران برخوردار است.

پرسشنامه قلدری سایبری (CB): در این پژوهش برای سنجش قلدری سایبری از پرسشنامه لوپز^{۲۴} (۱۹۹۷) استفاده شده است. بدین صورت که ابتدا پرسشنامه موردنظر از پایان‌نامه دکتری خانم کارول کمپفیلد^{۲۵} (۲۰۰۸) با کمک استاد راهنما انتخاب شد و آن را ترجمه و در نهایت با بازنگری مجدد استاد راهنما فرم

²⁴Lopez²⁵Carroll Campfield

یافته ها

(RMSEA) در حد مطلوب (کوچکتر از ۰/۰۵) قرار دارد. ب) نسبت χ^2 بر df در حد مطلوب (کوچکتر از ۰/۰۵) واقع شده است و این نسبت در سطح آلفای کوچکتر از ۰/۰۵ معنی دار است. ج) شاخص نیکویی برازش (GFI) و شاخص برازش (TLI) هنجار شده (CFI) و شاخص توکر- لویس (TLI) در حد مطلوب (بزرگتر از ۰/۹۰) قرار دارد. از این رو، مبتنی بر این یافته های می توان استنباط کرد که سبک های فرزند پروری ادراک شده و نشانه های شخصیت مرزی به واسطه همدلی قادرند در قالب روابط ساختاری تغییرات قدری ساییری را به طور معنی دار تبیین کنند. در جدول ۳ ضرایب ساختاری و آزمون t و سطح معنی داری متغیرها آورده شده است که نشان می دهد اختلال شخصیت مرزی، همدلی پایین، سبک های فرزند پروری ادراک شده (مستبدانه، بی اعتنا) قادرند تغییرات قدری ساییری را به طور مثبت و منفی در سطح ($p < 0/05$) تبیین کنند.

ماتریس کوواریانس بین متغیرهای پژوهش، به همراه میانگین و انحراف معیار آنها در جدول ۱ دیده می شود. بر اساس اطلاعات مندرج در جدول، میانگین نمرات قدری ساییری ۲۱/۴۷، همدلی ۱۰۸/۸۴، شخصیت مرزی ۹/۸۱، فرزند پروری مستبدانه ۶۳/۶۴، فرزند پروری مقتدرانه ۸۰/۲۸، فرزند پروری بی اعتنا ۴۲/۲۷، فرزند پروری سهل گیرانه ۳۶/۸۰ است. همچنین مندرجات جدول ۱ نشان می دهد که بین متغیرها پژوهش هم تغییری مثبت و منفی قبل ملاحظه ای وجود دارد به این معنا که: سبک های فرزند پروری ادراک شده و نشانه های شخصیت مرزی به واسطه همدلی قادرند در قالب روابط ساختاری تغییرات قدری ساییری را به صورت مثبت و منفی تبیین کنند. همان گونه که در جدول ۲ مشاهده می شود مدل اندازه گیری شده با مدل نظری برازش مطلوب دارد چرا که الف) مقدار ریشه میانگین مجدول خطای تقریب

جدول شماره ۱- ماتریس کوواریانس، میانگین و انحراف استاندارد بین متغیرها

متغیرها	قلدری ساییری	همدلی	قلدری ساییری	شخصیت مرزی	فرزندهای مثبت	فرزندهای منفی	فرزندهای سهل گیرانه	فرزندهای ادراک شده	میانگین (انحراف استاندارد)
قلدری ساییری	۴/۹۲								(۱۱/۶۹)(۲۱/۱۷)
همدلی	-۲/۷۲	۳/۷۴							(۱۰/۸۰)(۱۰۸/۸۴)
شخصیت مرزی	۲/۹۱	-۲/۲۲	۴/۱۲						(۴/۷۱)(۹/۸۱)
فرزندهای مثبت	۲/۲۱	-۲/۱۴	۱/۱۶	۲/۹۵					(۱۴/۹۹)(۶۳/۶۴)
فرزندهای منفی	-۱/۷۹	۲/۵۱	-۲/۲۱	-۱/۱۱	۳/۱۵				(۱۷/۶۰)(۸۰/۲۸)
فرزندهای سهل گیرانه	۱/۴۱	-۱/۵۹	۲/۰۹	-۲/۱۷	-۱/۶۶	۲/۷۷			(۱۳/۳۷)(۴۲/۲۷)
فرزندهای ادراک شده	۱/۱۶	۱/۲۷	۱/۲۵	-۱/۸۲	-۱/۰۸	۰/۹۱	۲/۴۵		(۱۰/۳۵)(۳۶/۸۰)

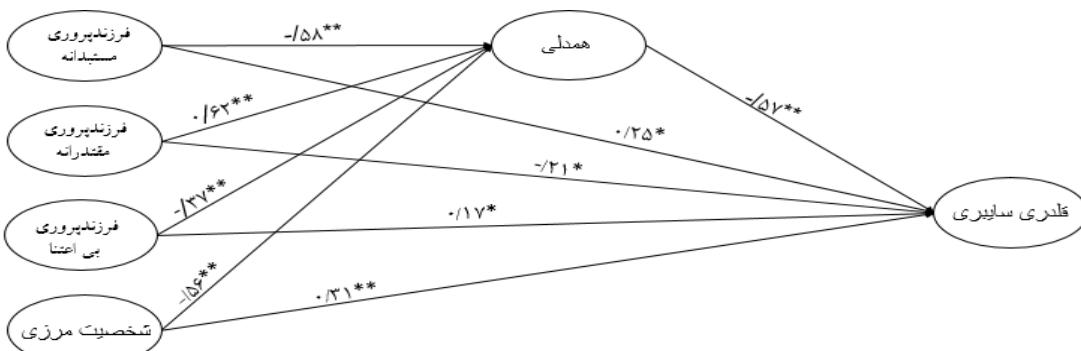
جدول ۲- شاخص های برازش مدل اندازه گیری

TLI	NFI	CFI	AGFI	GFI	P	X ² /df	Df	X ²	RMSEA
.۹۲	.۹۲	.۹۵	.۹۳	.۹۴	.۰۰۱	۳	۱۴۱	۴۲۳	.۰۴

جدول ۳- ضرایب ساختاری و آزمون t جهت بررسی اثرات مستقیم

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب ساختاری	T	سطح معنی داری
شخصیت مرزی	قلدری سایبری	.۰۳۱	۴/۲۶	p<0/05
همدلی	قلدری سایبری	-.۰۵۷	-۶/۷۹	p<0/05
فرزنده پروری مستبدانه	قلدری سایبری	.۰۲۵	۳/۷۱	p<0/05
فرزنده پروری مقتندانه	قلدری سایبری	-.۰۲۱	-۳/۱۲	p<0/05
فرزنده پروری بی اعتنا	قلدری سایبری	.۰۰۷	۲/۵۱	p<0/05
فرزنده پروری سهولگیرانه	قلدری سایبری	.۰۱۱	۱/۶۲	p<0/05

شکل ۲- ضرایب ساختاری مدل فرضی پژوهش



هستند، این افراد ممکن است از روش‌های مختلف از جمله سوءصرف مواد مخدر، آسیب زدن به خود و بروز دادن رفتارهای پرخاشگرانه برای به حداقل رساندن دردهای خود استفاده کنند. علاوه بر این، می‌توان از مدل پرخاشگری عمومی استفاده نمود (Anderson & Bushman, ۲۰۰۲^{۲۶}). این مدل بیان می‌کند که افراد محرك‌هایی را که در محیط اجتماعی، میان فردی و موقعیتی هستند، با استفاده از الگوها و طرح‌واره‌های دورنی پردازش می‌کنند. این الگوها و طرح‌واره‌های درونی می‌تواند تحت تأثیر حالت‌های

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر تعیین نقش سبک‌های فرزند پروری ادراک شده و اختلال شخصیت مرزی در قلدری سایبری با میانجی گری نقش همدلی بود. نتایج پژوهش نشان داد که بین نشانه‌های اختلال شخصیت مرزی و قلدری سایبری رابطه مثبت وجود دارد. در تبیین این یافته و در رابطه‌ی نشانه‌های شخصیت مرزی با قلدری و پرخاشگری می‌توان گفت که اختلال شخصیت مرزی با شدت هیجانات منفی و تکانش گری و افکار خودکشی رابطه دارد و افراد مبتلا به اختلال شخصیت مرزی به دنبال فرار از احساسات دردناک

²⁶Anderson & Bushman

را به کمک کردن به دیگران ترغیب می‌کند (بارون-کوهن و ویل رایت، ۲۰۰۴). این یافته‌ها با یافته‌های بارون-کوهن و ویل رایت (۲۰۰۴)، فرنالد (۲۰۰۶)، لی و سانگ (۲۰۱۲)، داتنهان، وودز (۲۰۰۳)، والتال، کونولد و پیانتا (۲۰۰۵)، جولیف و فارینگتون (۲۰۰۶) همسو و از سویی با یافته‌های چاپلین (۲۰۰۷) و ساتن (۲۰۰۱) ناهمسو است. سومین یافته پژوهش مربوط به شبکهای فرزند پروری هست که نتایج نشان داد شیوه‌های فرزند پروری ادراک شده مستبدانه و بی‌اعتنای قدری سایبری رابطه مثبت دارند و شیوه‌های فرزند پروری ادراک شده مقترن‌انه با قدری سایبری رابطه منفی دارند و هیچ‌گونه رابطه‌ای بین فرزند پروری ادراک شده سهل گیرانه و قدری سایبری یافت نشد. استناد به مفهوم یادگیری اجتماعی در تبیین یافته‌های فوق مفید خواهد بود. مبنی بر نظریه‌ی یادگیری اجتماعی، الگوبرداری نقش بسیار مهم و مؤثری در یادگیری مهارت‌های جدید و اجتماعی شدن انسان‌ها دارد (داتنهان و وودس، ۲۰۰۳). چنانچه والدین در تربیت فرزندان خود سهل گیری یا سخت گیری افراطی داشته و یا نسبت به نیازهای فرزندان بی‌توجه باشند، یا تعاملات خانوادگی مبنی بر استفاده از الگوهای رفتاری پرخاشگرانه از قبیل تنبیه‌های جسمانی و برونو ریزی عواطف خشونت‌آمیز باشد، احتمال بروز قدری در میان فرزندان وجود خواهد داشت. درواقع، والدین به عنوان یک الگوی ارتباطی و آموزشی رفتارهای اجتماعی فرزندان خود را شکل می‌دهند. مطالعات به آشکار نشان داده است که قدران واقعی در خانواده‌ایی پرورش یافته‌اند که پدر خانواده یک قدر بود (الوبوس، ۱۹۸۰، لوبیر و استوتامر و لومر، ۱۹۸۶، به نقل از الوبوس، ۱۳۸۹). در تبیین دیگر می‌توان از پژوهش هاس و میلر (۲۰۱۵) استفاده نمود. به منظور انجام این پژوهش، ۸۰ نفر به پرسش‌نامه‌ای به

دروني مانند حالت‌های عاطفي، سطح انگيختگي و شناخت‌هایي در مورد پرخاشگري قرار بگيرند. اين فعل و افعال بین محرك‌ها و حالت‌های درونی افراد، پردازش محرك و پیامد رفتار که آيا پرخاشگرانه است یا نه را تحت تأثير قرار می‌دهد. استفاده از مدل پرخاشگري عمومي باهدف تبیین رابطه بین BPD و قدری سایبری (رفتارهای پرخاشگرانه دیگر) در این بخش بيان شده است. برای مثال، افراد مبتلا به BPD ممکن است طرح‌واره‌ها و الگوهای درونی را که بیشتر طرفدار پرخاشگري و پذيرش رفتار پرخاشگرانه هست را داشته باشند. اگر اين الگوهای شناختي باحالت عاطفي مثل حسادت بالا و همدي باين تركيب شوند، به احتمال زيد محرك خارجي را به عنوان تهديد پردازش كنند و به موقعیت‌های اجتماعی با شدت بيشتری پاسخ دهند. به طور خلاصه افراد مبتلا به BPD که حسادت بالا و همدي باين ترى دارند، بيشتر احتمال دارد که دیگران را به عنوان يك تهديد بینند و درنتيجه، آنها ممکن است به احتمال زيد به دیگران با استفاده از پرخاشگري و قدری سایبری در طول دوره‌ی نوجوانی پاسخ دهند. اين یافته با یافته‌های استاکدل، کوین، نلسون، اريكسون (۲۰۱۵)، آنگ، تان و منصور (۲۰۱۱)، لاستر، کروس و شاو (۲۰۱۲)، داگلاس و داتون (۲۰۰۱)، داتون (۱۹۹۴)، ملوی و بوید، (۲۰۰۳)، داتنهان و وودس (۲۰۰۳)، همسو می باشد. علاوه به رايin همدي قادر است به طور منفي رفتارهای قدری سایبری را پيش‌بیني کند. در تبیین اين یافته‌ها می‌توان عنوان کرد که همدي به عنوان سازه عاطفي- هيچاني تعديل گر رفتارهای پرخاشگرانه و قدری در جامعه است. همدي احساس قدرمندي است که با پرخاشگري و رفتارهای ضد اجتماعي رابطه منفي دارد و مانع بروز رفتارهای خشن می‌شود و امكان تعامل مؤثر در محیط اجتماعي را به افراد داده و آنها

پژوهشی نسبتاً جدیدی نیاز است؛ با وجود این یافته‌های این پژوهش بر نقش بالقوه سبک‌های فرزند پروری ادراک شده، اختلال شخصیت مرزی و همدلی به عنوان ریسک فکتورهای قدری سایبری صحه گذاشت.

تشکر و قدردانی

بدین‌وسیله نویسنده‌گان از مساعدت‌های مسئولین آموزش و پرورش شهرستان تبریز تقدیر و تشکر می‌نمایند. همچنین، از تمامی دانش‌آموزانی که در این پژوهش شرکت نمودن؛ کمال تشکر و قدردانی را دارند.

References

- Ahmed, E. and Braithwaite, V. (2004). "What, me ashamed?" Shame management and school bullying. *Journal of Research in Crime and delinquency*, 41: 269-294.
- Anderson, C. A., & Bushman, B. J. (2002). Human aggression. *Annual Reviews of Psychology*, 53, 27-51.
- Ang, R.P., Tan, K-A. and Mansor, A.T. (2011). Normative beliefs about aggression as a mediator of narcissistic exploitativeness and cyberbullying. *Journal of Interpersonal Violence*, 26, 2619-2634.
- Anthony Efobil & Chinyelu Nwokolo, (2014). Relationship between Parenting Styles and Tendency to Bullying Behaviour among Adolescents *Journal of Education & Human Development* 1, pp. 507-521.
- Baron-Cohen,S. and Wheelwright,S.(204).The empathy quotient: an investigation of adults with Asperger syndrome or high functioning autism and normal sex differences. *Journal of autism and developmental disorders* 34: 163-175.
- Carroll Campfield, Delia.(2008). Cyber Bullying and victimization: psychosocial characteristics of bullies, victims, and bully/victims, University of Montana, Missoula, Montana, Clinical Psychology.
- Chaplin, H. (2007). bullying behavior and situational element. *Jurnal of child behavior*, 11, 119-129.
- Douglas, K.S.and Dutton, D.G. (2001). Assesssing the link between stalking and domestic violence. *Aggression and Violent Behavior*, 6: 519-546.
- نام پرسشنامه ۵ عامل شخصیت مرزی پاسخ دادند تا مشخص شود هر یک تا چه اندازه دارای صفات شخصیت مرزی هستند. سپس پژوهشگران با استفاده از تصویربرداری تشدید مغناطیسی کار کردی، فعالیت مغزی شرکت کنندگان را اندازه گیری کردند. در طول انجام تصویربرداری FMRI از شرکت کنندگان خواسته شد تا فعالیتی مرتبط با همدلی انجام دهند. بدین ترتیب که از توانایی خود استفاده کنند و به یک موقعیت احساسی درباره افراد دیگر فکر کنند، در حالی که FMRI نیز به طور همزمان فعالیت مغزی آن‌ها را اندازه گیری می‌کرد. نتایج پژوهش نشان داد فعالیت نواحی مغزی مرتبط با همدلی در افراد مبتلا به صفات BPD کاهش می‌یابد. این کاهش فعالیت نشان می‌دهد افراد مبتلا به BPD حداقل در مقایسه با افرادی که کمتر دچار صفات BPD هستند، سخت‌تر می‌توانند احساسات دیگران را در ک و پیش‌بینی کنند. هاس و میلر توانستند ارتباط بین گرفتن نمره‌ی بالا در نشانه‌های اختلال شخصیت مرزی را با کاهش فعالیت عصبی در دو بخش مغز، اتصال گیجگاهی و شیار فوق گیجگاهی مشخص کند. این دو ناحیه‌ی مغزی در فرایند همدلی، نقش بسیار مهمی ایفا می‌کنند (برایان هاس، میلر، ۲۰۱۵). این یافته با یافته‌های مارکری بوتساری، کاراگینی (۲۰۱۳)، لی (۲۰۱۰)، احمد و بریس ویت (۲۰۰۴)، آنتونی و چنیلو (۲۰۱۴)، همسو است. در مجموع، مطالعه حاضر اطلاعات ارزشمندی برای فهم قدری سایبری و ارتباط آن با سه عامل یعنی سبک‌های فرزند پروری ادراک شده، اختلال شخصیت مرزی و همدلی فراهم آورد. با وجود اینکه مطالعه بیشتری در این عرصه

- Draucker,C.B.,&Martolf, D.S.(2010).The role of electronic communication technology in adolescent dating violence. *Journal of Child and Adolescent Psychiatric Nursing*, 23, 133–142.
- Dussich, J P. and Maekoya, C. (2007). Physical child harm and bullying-related behaviors: A comparative study in Japan, South Africa, and the United States. *International Journal of offender Therapy and Comparative Criminology*.
- Dutton, D. G. (1994). Behavioral and affective correlates of borderline personality organization in wife assaulters. *International Journal of Law and Psychiatry*, 17: 265-277.
- Eisenberg, N., & Fabes,F.(1998).prosocial development. in n. eisenberg (ed), handbook of child psychology, volume 3: social, emotional and personaliy development(5 end, pp. 701-778).
- Fernald, K.(2006). Empathy and conduct disorders. *Journal of Abnormal Psychology*,18,321-339.
- Grolnick, W. S., Deci, E. L., & Ryan, R. M. (1977). Internalization within the family: The self-determination theory
- Has, B. w. and Miller, J. D. (2015). Borderline personality traits and brain activity during emotional perspective pndovnsdv qeknoqegm eqrgnoqerg qeergibnqobgr.
- Jolliffe, D. and Farrington, D. P. (2006).Examining the relationship between low empathy and bullying. *Aggressiv behavior*, 32, 1-11.
- Kowalski,R.M.,Morgan,Ch.A.&Limber,S.P.(2012).Traditional bullyingas a potential warning sing of cyberbullying. *School Psychology International Journal*, 33(5), 505-519.
- Law, D.M., Shapka, J.D., Hymel, Sh., Olson, B.f. & Waterhouse, T. (2012). The changing face of bullying: An Empirical comparison between traditional and internet bullying and victimization.Computer in Human behavior Behavior, 28, 226-232.
- Lee, C.-H. (2010)Personal and interpersonal correlates of bullying behaviors among Korean middle school students. *Journal of interpersonal violence*,33(4), 323-330.
- Lee, C.H. and and Song, J. (2012). Functions of parental involvement and effects of school climate on bullying behaviors among South Korean middle school students. *Journal of interpersonal violence*: 1-28.
- Lester, L, Cross, D. and Shaw, T. (2012). Problem behaviours, traditional bullying and cyber bullying among Adolescents: longitudinal analyses. *Emotional and behavioural difficulties*, 17: 435-447
- Meloy, J. R. & Boyd, C.(2003). Female Stalkers and Their Victims. *Journal of American Academy of Psychiatry and the Law*, 31, 211–219.
- Miller, P. A. and Eisenberg, N. (1988). The relation of empathy to aggressive and externalizing/antisocial behavior *Psychological bulleten*, 103:324.
- Murray, Ch., Zvoch, K. (2011). Teacher- student Relationships among Behaviorally Atrisk African American Youth From Law- Income Backgrounds: Student Perceptions, Teacher Perceotions, and Socioemotional Adjustment Correlayes. *Emotional and Behavioral Disorders*. 19(1), 41-54.
- Nelson, D. A., Coyne, S. M., Swanson, S. M., Hart, C. H.,& Olsen,J. A. (2014). Parenting, relational aggression, and borderline personality features: Associations over time in a Russian longitudinal sample. *Development and Psychopathology*, 26, 773–787.
- Olweus, D. (1993). Bullying at school: What we know and what we can do._Oxford: Blackwell.
- Patchin, J.W., & Hinduja, S. (2011). Traditional and nontraditional bullying among youth: A Test of General Strain Theory. *Youth & Society*, 43(2), 727-751.
- perspective. In J. E. Grusec & L. Kuczynski (Eds.), *Parenting and children's internalization of values: A handbook of contemporary theory* (pp. 135-161). New York: Wiley.
- Pomari, C. D., & Wood, J. (2010). Peer and cyber aggression in secondary school students: The role of moral disengagement, hostile attribution bias, and outcome expectancies. *Aggressive Behavior*, 36, 81–94.
- Rebecca P. Ang • Dion H. Goh. (2010). Cyber bullying Among Adolescents: The Role of Affective and Cognitive Empathy, and Gender. *Child Psychiatry Hum* (2010) 41:387–397.
- Rudasill, K.M., Gallagher, K.C. and White, J.M. (2010). Temperamental attention and activity, classroom emotional support, and academic achievement in third grade. *Journal of School Psychology*, 48: 113-134.

- Shamay-Tsoory, S.G. (2009). Empathic Processing: Its Cognitive and Affective Dimensions and Neuroanatomical Basis. *The social neuroscience of empathy*: 215-232.
- Stockdale, L. A., Coyne, S. M., Nelson, D.A. and Erickson, D. H. (2015). Borderline personality disorder features, jealousy, and cyberbullying in adolescence. *Personality and Individual Differences*, 83: 148-153.
- Sutton, J. (2001). Bullies: Thugs or thinlers? *The Psychologis*, 14(10), 530-534.
- Walthall, J.C., Konold, T.R. and Pianta, R. C. (2005). Factor structure of the social skills rating system across child gender and ethnicity. *Journal of Psychoeducational Assessment*, 23: 201-215.